

# لطائف التفسیر

تصنیف

بیونیدر ابونصر احمد بن حسن زاہد دروہا

رسالہ ۵۱۰ ہجری

جلد یکم

تصحیح و تحقیق

عبد اللہ رادمرد عبد اللہ عمرانی

زاهد درواجکی، احمد بن حسن، - ۵۱۹؟

لطایف التفسیر / سیف الدین ابونصر احمد بن حسن زاهد درواجکی، تصحیح و تحقیق: عبدالله رادمرد، عبدالله غفرانی. - مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۴.

ISBN 978-600-06-0057-0

ج.

ISBN set 978-600-06-0064-8

فیبا.

۱. تفاسیر شیعه - قرن ۶ ق. ۲. سعید ثانی، زین الدین بن علی، ۹۱۱ - ۹۶۶ ق. - نقد و تفسیر. الف. رادمرد، عبدالله، مصحح. ب. غفرانی، عبدالله ۱۳۶۱ - ، مصحح. ج. بنیاد پژوهشهای اسلامی. د. عنوان.

۲۹۷ / ۱۷۲۶

BP ۹۴ / ۵ / ۲ / ۱۳۹۴

۴۱۲۸۳۴۹

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



لطایف التفسیر

جلد یکم

سیف الدین ابونصر احمد بن حسن زاهد درواجکی

تصحیح و تحقیق: عبدالله رادمرد، عبدالله غفرانی

چاپ اول: ۱۳۹۵ / ۵۰۰ نسخه، وزیری / قیمت ۳۲۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۳۶۶

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۳۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاه‌های کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۳۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۳۷۷۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

## سخن ناشر

پس از چند تفسیر عمده و کامل قرآن کریم، مانند ترجمه تفسیر طبری (حدود ۳۵۰) و تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم تألیف عمادالدین ابوالمظفر طاهر بن شهنور بن محمد بن اسفرائینی (۴۷۱ ه. ق) و تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری معروف به تفسیر سوراآبادی (۴۹۴ ه. ق) باید از تفسیر جامع و کامل آن به این فارسی لطائف التفسیر نام برد که فخرالاسلام ابونصر احمد بن الحسن بن احمد بن سلیمان را به نگارش آن تصنیف و تألیف کرده است.

با وجود آنکه این تفسیر از تفسیرهای کهن با اهمیت فارسی است و حکایت از شهرت علمی مؤلف دارد، اما در کمتر جایی می‌نزد، زیرا بر زندگی او به دست آورد.

مصححان لطائف التفسیر با استقصا در منابع کهن و جست‌وجو در نسخه‌های خطی این اثر ارجمنند، توانسته‌اند درباره نام و لقب، زادگاه و زندگی این مفردات درخور به دست آورند و توضیح دهند.

این تفسیر با نثری شیوا و بی‌پیرایه قرن پنجم یا نیمه دوم قرن چهارم نگارش یافته است و بیشتر ویژگی‌های سبکی دوره اول (نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم) در فارسی را داراست و به سبب آنکه حدود نهصد سال پیش نگارش یافته به لحاظ سبک شناسی و اشتغال بر واژگان ناب و نیز از منظر دستور تاریخی و لهجه شناسی حائز اهمیت است.

مصححان این اثر با استادی و تبحری که در تصحیح متون کهن دارند، توانسته‌اند با تکیه بر ضبط نسخه‌ها به شیوه التقاطی از عهده تصحیح آن به خوبی برآیند.

## گزارشنامه

گزینش لطائف التفسیر برای تصحیح به سال‌هایی برمی‌گردد که حقیر شوق یافتن اثری مناسب پسند و ذائقه خویش را در سر داشتم و می‌خواستم از یک سو در احیای فرهنگ ادبیل اسلامی سهمی داشته باشم، و از سوی دیگر پژوهشی انجام دهم که در خور اخذ و استناد دانش آموختگی باشد.

بر این اساس، از حدود سال‌های هفتاد بود که اندیشه تصحیح کتاب ارجمند لطائف التفسیر پای گرفت. مرا بر آن داشت که به جستجو، شناسایی و فراهم کردن نسخه‌های خطی مختلف و پراکنده آن بپردازم. این کار با همه سختی‌ها و دشواری‌ها به انجام رسید، و سپس تصحیح سرانجامه آن بر پایه سه نسخه فرجام یافت.

در این اثنا از طریق جناب آقای دکتر محمد مهدی رکنی باخیر شدم که جناب آقای عبدالله غفرانی، از فضلا و فرهیختگان بنیاد پژوهش‌های اسلامی در پی تصحیح این تفسیر شریف هستند، پس دیدار و گفتگو با ایشان را مغتنم شمردم و بعد از برگزاری جلساتی چند، عزم همکاری در احیای این کتاب را مصمم کردیم و مقدمات کار را فراهم ساختیم. پس از تقسیم کار، اجرای طرح با انبساط، دقت و اهتمام بیشتر و نظارت دو جانبه پی گرفته شد، و اینک این توفیق را بر میسم که جلد اول از مجلدات شش‌گانه را پس از وقفه‌هایی چند به پایان بریم و به دست چاپ بسپاریم. مراحل نهایی آماده‌سازی چاپ جلد‌های دوم و سوم طی شده و کار تصحیح دیگر جلد‌ها نیز در دست انجام است.

بایسته است این نکته را یادآور شوم که مقدمه نسبتاً طولانی جلد اول که حساب آن از اصل تصحیح جدا است، و بیشتر و بلکه همه مطالب آن را حقیر برای رساله

دکتری خود فراهم آورده بودم ، برای این که آن را در ابتدای جلد اول بنهم ، با یاری آقای امیر بوذری ، دخل و تصرف ها و بازمینی ها و تنقیحات مکرر در آن انجام شد ، و اینک این مقدمه به نام هر دوی ما در ابتدای کار قرار گرفته است .

اکنون که خدای بزرگ توفیق انجام مقابله و تصحیح این اثر خطیر قرآنی را پس از زمانی دراز ارزانی داشته ، بایسته می دانم از همه کسانی که در به سامان رسیدن سه جلد خدمت یاری رسان بوده اند ، سپاسگزاری کنم ، به ویژه از آقای امیر بوذری که در استنساخ نسخه اساس و مقابله نسخه ها سهیم بوده است ، همچنین از آقای دکتر مجتبی مگر در تصحیح و مقابله نسخه ها ، و نیز ویرایش متن و یادآوری پاره ای نکته ها همبازی بنیادین داشته است ، و نیز از آقایان قلی زاده ، علی باقریان ، و محمد کریمی اربیه که در طول کار از یاریشان برخوردار بوده ام .

در پایان ضمن قدردانی از جناب حجة الاسلام الهی خراسانی ، و نیز جناب حجة الاسلام شریعتی تبار ما را در این محترم بنیاد پژوهش ها ، خود را وامدار زحمات و پیگیری های جناب آقای ناجی ، معاون محترم پژوهشی بنیاد می دانم . قطعاً بدون دقت ، حوصله و خیرت مثال رذی این عزیزان و همت دست اندرکاران چاپ و نشر بنیاد ، طبع کتاب به گونه ای که موجب اطمینان خاطر تواند بود ، امکان نداشت . و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

عبدالله رادمرد

## مقدمه

### درآمد

زبان فارسی اندکی بعد از اسلام به عنوان زبان دوم در جهان پهناور اسلام به شمار می‌رفت و بخش عظیمی از منابع فرهنگ و تمدن اسلام به آن زبان نگارش یافته است؛ به نحوی که گوشه‌ها و بخشهایی از فرهنگ اسلامی را جز به مدد زبان فارسی نمی‌توان روشن کرد و بی‌توجهی به احیا و تصحیح و نشر این آثار بی‌تردید ما را از بخشهای مهمی از فرهنگ اسلام بی‌بهره خواهد ساخت.

فایده بزرگ دیگری که از راه شناختن خطی فارسی حاصل می‌شود آگاهی از تحول زبان فارسی و اختصاصات سبکی و تکمیلی تاریخ این زبان است، همچنین متون خطی گنجینه‌هایی از لغات و ترکیبات سیل فارسی است که در صورت نشر می‌تواند مترجمان را در بسیاری از معادل‌سازی‌ها رزق دهد.

هدف و غایت نقد و تصحیح این متون آن است که نیروی نسخه‌خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصل یک اثر را فراهم سازند و آن را به صورتی عرضه کنند که خواننده اهل تحقیق بتواند اطمینان حاصل کند که اگر اصل یک اثر در دست ندارد نسخه‌ای از آن را در اختیار دارد که تا حد زیادی به اثر مصنف و نکت نزدیک است؛ به عبارت دیگر یکی از اهداف تصحیح متون این است که روایتی هر چه اصیل‌تر و یا صورتی هر چه کهنتر از متن بازسازی شود و در دسترس همگان قرار گیرد.<sup>۱</sup> شادروان مینوی در مقدمه کلیله و دمنه درباره تصحیح این کتاب چنین نوشته

۱. ر.ک: عبدالحسین زرین‌کوب، روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی، یغما، شماره ۶، ج ۱۰، ص ۲۶۰-۲۵۹ و احمد سمعی، نکته‌هایی در باب تصحیح متون، نشر دانش، ش ۱۲، ج ۴، ص ۴۲.

است: «خواستهام از میان وجوه مختلفی که در نسخ دیده می شود آن را بیابم و ضبط کنم که به اعتقاد خودم و به دلایلی که می توانم اقامه کنم نوشته نصرالله منشی بوده است»<sup>۱</sup>.

### تفسیر نوشته های فارسی

برگرداندن قرآن کریم به زبانهای دیگر از مسایل مورد اختلاف فقها بوده است. گسترش و نفوذ اسلام به سرزمینهای دیگر و ناآشنایی آنان با زبان عربی نیاز مسلمانان را به تفسیرها و ترجمه هایی از قرآن به زبانهای غیرعربی بیشتر می کرد، گرچه نفوذ زبان عربی از طریق دیانت و تمدن اسلام باعث شد که بسیاری از فقها و حکما و مورخان راغوبت آثار گرانبهایی به عربی بر جای گذارند.

ضعف و ناتوانی اراکین و سبب شد که نفوذ سیاسی و معنوی خلفا در ایران و بیشتر در مشرق آن یعنی عراق که مرکز آشوبها و تیرگیها بود کم شود و به تدریج از بین برود. با تشکیل حکومتها و تن دادن چون صفاریان و سامانیان و... زبان فارسی رونق گرفت و مردمی که دیانت اسلام را پذیرفته بودند به علت ناآشنایی به زبان عربی از درک و فهم دستورها و احکام دینی ناتوان ماندند. گفته اند مردم بخارا نماز را به فارسی می خواندند<sup>۲</sup> سرانجام منصور بن احمد اسماعیل سامانی (۳۵۰-۳۶۶) فقها و علمای بزرگ خراسان را که سبب پیدایش جهانی اسلام را داشتند از شهرهای ماوراء النهر و خراسان یعنی بخارا، مرو، نرغانه، خوارزم، نیشابور و بلخ و... در بخارا گرد آورد و آنان به اتفاق آراء به ترجمه و تفسیر قرآن به

۱. ابوالعالی نصرالله منشی، کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، چهارم، تهران، دانشگاه تهران، مقدمه، صفحه یو.

۲. «... مردمان بخارا به اول اسلام در نماز قرآن به پارسی خواندندی و عربی نتوانستندی آموختن...» (ابوجعفر نرشخی، تاریخ بخارا، تصحیح مرحوم مدرس رضوی، تهران، چاپ تهران، ۱۳۱۷ شمسی،

پارسی فتوا دادند<sup>۱</sup>. با صدور این فتوا یکی از ابواب مهم علوم دینی یعنی ترجمه و تفسیر قرآن به پارسی به روی ایرانیان باز شد و زمینه‌ساز ترجمه و تألیف کتابهای مختلف قرآنی گردید. همچنین به دنبال این حکم نخستین متن قرآنی با ترجمه تفسیر طبری به فارسی به همین نام (ترجمه تفسیر طبری) در حدود ۳۵۰ هـ ق نوشته شد. پس از آن ترجمه‌ها و تفاسیر دیگری تألیف گردید (که پاره‌ای از آنها ناقص و بعضی به صورت کامل به دست ما رسیده است). تفاسیر مهم و کهن فارسی به جای ماندن تا اواخر قرن ششم عبارتند از:

۱. ترجمه تفسیر طبری که در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی و به دستور وی در حدود ۳۵۲ هـ ق توسط مؤلفان و فقهای ماوراء النهر در هفت جزء نوشته شد.

۲. تفسیر قرآن پاک. مفسر این تفسیر نامشناخته است و نسخه قدیمی ناقص آن مربوط به اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم در دانشگاه لاهور موجود است. در سالهای اخیر (۱۳۴۴ شمسی) این اثر توسط آقای دکتر علی رواقی و با مقدمه آقای مجتبی مینوی به سرمایه بنیاد فرهنگ ایران به خط فارسی کنونی به چاپ رسیده است.

۳. نسخه محفوظ در دانشگاه کمبریج از تفسیر قرآن. مؤلف این تفسیر معلوم نیست ولی از تحقیقاتی که آقای جلال متینی انجام داده‌اند آشکار گردید که مؤلف اهل خراسان و ظاهراً سنی مذهب بوده است. سبک نگارش آن نزدیک به ترجمه تفسیر طبری است. اصل تفسیر چهار جلد است که جلد اول و دوم آن در دست نیست. این تفسیر با سرمایه بنیاد فرهنگ و مقدمه و تصحیح دکتر جلال متینی در دو

۱. «... روا باشد خواندن و نشستن قرآن مر آن کس را که او تازی نداند... آنگاه ملک مظفر ابوصالح بفرمود تا فقیهان ماوراء النهر از تمامی شهرها گرد آمدند و در یک انجمن بزرگ همه خطها بدادند. بر ترجمه این کتاب [جامع البیان فی تفسیر آی القرآن] که این راه راست است.» (ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، تصحیح حبیب یغمایی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۳۹ شمسی، ص ۶)



جلد در تابستان ۱۳۴۹ به چاپ رسیده است.

۴. تفسیری موزون با عنوان پلی میان شعر هجایی و عروضی. این اثر در قرون اولیه هجرت تألیف شده و شیوه نگارش آن احتمالاً به اواخر قرن سوم و یا اوایل قرن چهارم می‌رسد. این تفسیر در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی به اهتمام و تصحیح آقای دکتر احمد علی رجایی و سرمایه بنیاد فرهنگ ایران چاپ شده است.

۵. متنی پارسی از قرن چهارم که ترجمه نسخه‌ای خطی از قرآن (نسخه شماره ۲۴) را آمان قدس رضوی است و آقای دکتر رجایی آن را به طبع رسانده و ضمن کار نثر آن را با ترجمه تفسیر طبری و چند تفسیر دیگر مقایسه کرده است.

۶. تفسیر سررآبادی از ابوبکر عتیق بن محمد نیشابوری سورآبادی هروی (م ۴۹۴ ه.ق). این اثر در روزگار الب ارسلان سلجوقی (۴۵۵-۴۵۶) و در حدود سال ۴۸۰ ه.ق در چهارم سده تألیف شده است. این تفسیر با سرمایه بنیاد فرهنگ و تصحیح آقای دکتر یحیی مقدم و مقدمه آقای مجتبی مینوی به طبع رسیده است.

۷. تاج التراجم فی تفسیر القرآن. اعاجم اثر عماد الدین ابوالمظفر طاهر شهنشاه فرزند محمد اسفراینی (م ۴۷۱ ه.ق) است. منظر معاصر خواجه نظام الملک بوده است. این تفسیر را تفسیر طاهری هم خوانند. این تفسیر به همت آقایان الهی خراسانی و نجیب مایل هروی تصحیح و انتشارات علمیه فرهنگی و نشر میراث مکتوب آن را در پنج مجلد چاپ و نشر کرده است.

۸. تفسیر نسفی از ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد بن محمد بن اسماعیل بن لقمان نسفی معروف به مفتی الثقلین از اکابر علمای حنفی است (۴۶۲-۵۳۸ ه.ق). این تفسیر به اهتمام آقای دکتر عزیزالله جوینی و به سرمایه بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسیده است.

۹. بخشی از تفسیری کهن که ظاهراً مربوط به سده پنجم است. این تفسیر با یادداشتی از آقای مجتبی مینوی و مقدمه و تصحیح آقای محمد روشن و سرمایه

بنیاد فرهنگ ایران در تابستان ۱۳۵۱ هـ ق چاپ شده است.

### ترجمه‌ها و تفسیرهای فارسی قرآن

برگرداندن قرآن و تفسیرهای آن به فارسی از کارهای گرانسنگی است که ایرانیان با ترجمه تفسیر طبری در قرن چهارم آغاز کردند. اکنون تعداد این ترجمه‌ها و تفسیرها فراوان است به حدی که معرفی اجمالی و حتی کتابشناسی آنها خود کتابی جداگانه را شامل می‌شود. این مجموعه ذی‌قیمت از قصص انبیا و اقوام پیشین، تاریخ عصر پیامبر، وقایع صدر اسلام و موضوعات فقه و اصول و دیگر معارف اسلامی - انسانی اطلاعات زیادی در اختیار خواننده قرار می‌دهند که می‌تواند در حوزه‌های مختلف علمی - اسلامی، اسلام‌شناسان و مفسران را به کار آید. علاوه بر آن چنانکه اشاره شد به برکت وجود این گنجینه‌های قرآنی، زبان فارسی از هرگزندی در روزگاران گذشته مصون مانده است و این افتخار زبان فارسی است که از نخستین سده‌های نشر اسلام واسطه انتقال و ابلاغ مفاهیم اسلامی به دیگر مردم جهان بوده است. همچنین انگیزه و ارزش دینی حفظ معنی کلام الهی و انتقال دقیق آن به زبان فارسی سبب غنا یافتن فرهنگ لغات و تعبیرات زبان فارسی شده و از این راه تفسیرها و ترجمه‌های قرآن بزرگترین خدمتها را به زبان فارسی کرده‌اند.

برای تحقق چنین هدفی تهیه یک ترجمه روشن و استوار و به‌یاد قرآن به زبان فارسی ضروری است که برای تهیه آن دو کار لازم دانسته شده است. فراهم آوردن فرهنگ تاریخی برابره‌های واژگان قرآنی و دیگر آماده سازی و چاپ ترجمه‌ها و تفسیرهای کهن به فارسی<sup>۱</sup>. آقای دکتر علی رواقی یادآوری می‌کند که زبان ترجمه‌ها و تفسیرهای کهن فارسی از حیث سبک و سیاق عبارات و نوع کلمات با یکدیگر تفاوت بسیار دارد. مثلاً زبان مردم نیشابور با زبان اهل هرات فرق دارد؛ پس به دست آوردن همه این متن‌ها از گوشه و کنار قلمرو زبان فارسی و چاپ و انتشار آنها گام

۱. علی رواقی، کهنترین برگردان قرآن به فارسی، کیهان فرهنگی، ج ۱ ش ۱، فروردین (۱۳۶۳) ص ۱۵.

مهمی در شناختن گونه‌های مختلف زبان فارسی است و از آنجا که مترجمان قرآن به فارسی سهم عمده‌ای در زنده نگه داشتن زبان فارسی دارند احیا و حفظ آثار آنان در حقیقت گامی است در حفظ و غنای زبان فارسی. این نکته را مرحوم احمد علی رجایی نیز با تأکید هر چه تمامتر به این صورت بیان می‌کند: «با آنکه همه این ترجمه‌ها و تفسیرها از نظر مطالعات اسلامی حائز اهمیت تواند بود ولی آنچه از نظر بررسی زبان فارسی و تحوّل آن در روزگار پیشین دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است ترجمه‌ها و تفسیرهایی است که حداکثر تا پایان قرن ششم هجری تألیف شده است. و نظر بنده اگر همه قرآنهای مترجم و تفسیرهای قرآن مجید به زبان فارسی نگاشته می‌شدند، یکی از آنها چند برگ بیش باقی نمانده باشد - در کمال دقت و سرعت به طبع برسد و در اختیار اهل فضل و تحقیق قرار بگیرد، به مطالعات زیان‌شناسی و تحقیقات و سعادت لغت‌شناسی و لهجه‌شناسی فارسی مددی بزرگ خواهد رسید؛ زیرا در بیشتر زبانها سبغه لهجه محلی مترجم یا مفسر هر اثر آشکارا به چشم می‌خورد. اکثر این آثار مربوط به روزگاری است که هنوز لفظ محاوره از قلم جدا نشده بوده است. خراسانی، ماوراء النهری، عراقی، آذربایجانی، فارسی، خوزستانی و رازی همه به یک زبان متحد الشکل (Standard) چیز نوشته‌اند؛ به همان ترتیب که همه ایشان به یک لهجه معین فارسی سخن نمی‌گفته‌اند. امروز از روی نوشته ایشان می‌توان به سادگی به اختلاف لهجه آنان پی برد.»<sup>۱</sup>

### تفسیر حاضر و مصنف آن

از سه تفسیر عمده و کامل قرآن کریم یعنی ترجمه تفسیر طبری (در حدود ۳۵۰) و تاج التراجم فی تفسیر القرآن الاعاجم تألیف عماد الدین ابوالمظفر طاهر شهفور

۱. متنی پارسی از قرن چهارم هجری (مترجم شماره ۴) تصحیح مرحوم احمد علی رجایی، مشهد.

بن محمد اسفراینی (م، ۴۷۱ هـ ق) و تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری معروف به سورآبادی (م ۴۹۴ هـ ق) که بگذریم چهارمین تفسیر جامع و کامل قرآن به زبان فارسی «لطائف التفسیر» است که توسط فخر الاسلام ابونصر احمد بن الحسن بن احمد بن سلیمان در واجکی تصنیف و تألیف شده است. مصنف کار خود را در روز نهم شوال ۵۱۹ هجری قمری آغاز کرده است.<sup>۱</sup>

### نام تفسیر

از مطالعه فهرستها و نسخه‌ها و دیگر منابع برمی آید که اغلب کاتبان یا فهرست‌نویسان با توجه به نام القاب مؤلف نامی بر این تفسیر نهاده از این تفسیر با آن نام یاد کرده‌اند؛ برای مثال در فهرست نسخه‌های خطی مربوط به آستان قدس رضوی نام «تفسیر سیف» در این بر آن نهاده شده است، دیگران نیز از آن با عنوان تفسیر زاهد، تفسیر زاهدی، تفسیر زاهد، در واجکی یاد کرده‌اند. در کشف الظنون به نقل از ترغیب الصلوة محمد بن احمد زاهد، از آن به نام تفسیر زاهد یاد شده است.<sup>۲</sup> از نامهای دیگری که برای این تفسیر برشمرده‌اند لطائف التفسیر، لطائف التفاسیر، لطائف العرفان است. آقای دکتر مهدوی در مقدمه خود بر قصص قرآن سورآبادی نام آن را «لطائف التفسیر» ذکر کرده است.<sup>۳</sup> توجه به اینکه کاتب فاضل نسخه کتابخانه فاتح ترکیه در مقدمه خود بر این تفسیر، آن را «لطائف التفسیر» نامیده، ما نیز و به پیروی از او این نام را زیننده آن دانسته‌ایم.

### نام مؤلف

با آنکه این تفسیر از تفسیرهای کهن و با اهمیت فارسی است و حکایت از

۱. ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی، قصص قرآن مجید، برگرفته از تفسیر سورآبادی، به اهتمام یحیی مهدوی، سوم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۰، مقدمه، صفحه ۱۷ (ص).
۲. المولی مصطفی بن عبدالله معروف به حاجی خلیفه، کشف الظنون، جلد ۱، بیروت، دارالفکر، ص ۴۴۸، عبارت حاجی خلیفه این است: «تفسیر الزاهد ذکرة صاحب ترغیب الصلاة».
۳. ابوبکر عتیق نیشابوری، پیشین، مقدمه، صفحه ۱۷.

شهرت علمی مؤلف دارد اما در کمتر جایی می‌توان شرح کاملی از زندگی او را یافت. با استقصایی که مصححان در کتب رجال و تراجم بخصوص در رجال فقهی - کلامی و تفسیری ناحیه ماوراء النهر قدیم به عمل آورده‌اند، صرف نظر از اشاره اسمی در دو سه کتاب در جاهایی دیگر نامی از مؤلف برده نشده است. از جمله: معین الفقراء در ذکر مزارات بخارا، شرف‌الدین ابو حفص عمر بن محمد بن عمر عقیل مته‌فای سال ۵۷۶ هجری قمری، شاگرد نجم‌الدین عمر نسفی را جزء زرگانی دانسته است که محضر امام «زاهد در واجکی» را دریافته است.<sup>۱</sup> در کتاب جواهر التفسیر از او به عنوان استادی فاضل یاد شده و نام وی «فخر الاسلام ابونصر ابن ابی بن احمد در واجکی زاهد» ذکر گردیده و اشاره شده که سمعانی از این سبب نامش برده است.<sup>۲</sup>

همچنین تقی‌الدین عبد‌لهاد تمیمی حنفی از تراجم نویسان حنفیان گفته‌های صاحب جواهر المصنیه را تکرار و وی نسبت «درواجکی زاهد» را برای او ذکر کرده است.<sup>۳</sup>

از موارد بالا که بگذریم اطلاعات بیشتر باید به مفسر را باید در ابتدای نسخه‌ها و لابلای کلام مصنف جست. متأسفانه سخن مصنف هم عاری از نام و لقب مفسر بوده و اشارات یا قرآینی که روشنگر زمان و مکان زندگی مؤلف و معاصران وی یا نام و لقب و محلّ و نوع درس و استادان و یا شاگردان او باشد در آن دیده نمی‌شود. تنها در صفحه اول بعضی از نسخه‌ها اشاره‌ای به نام مؤلف و زمان تألیف

۱. احمد بن محمود معین الفقراء، تاریخ ملازاده، در ذکر مزارات بخارا، با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تراجم اعلام به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۹، ص ۶۳ به نقل از مقاله لطائف التفسیر، عباس ماهیار، نشر دانش، ش ۲ (۱۳۶۱)، ص ۶۶.

۲. محی‌الدین عبدالقادر بن محمد مصری، الجواهر المصنیه فی طبقات الحنفیه، ج ۱، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۲، ص ۶۳.

۳. تقی‌الدین عبدالقادر تمیمی، طبقات السنیه فی تراجم الحنفیه، ج ۱، حیدرآباد دکن، ص ۳۸۸.

شده است؛ مثلاً در نسخهٔ محفوظ در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی ابتدا مقدمه‌ای کوتاه در حمد خداوند و اهمیت و وصف کلام حق - تعالی - و درود و سلام بر پیامبر و اهل بیت او آمده است. پس از آن نام و القاب مفسر و زمان تصنیف تفسیر ذکر شده است. در ابتدای نسخهٔ مربوط به کتابخانهٔ ترکیه نیز از جانب کاتب خطبه‌ای به لغت عربی دربارهٔ حمد و صفات خدا و عجز انسان از ادراک خالق و نزول قرآن کریم بر سرور کاینات بیان گردیده و مطالبی چند در وصف قرآن کریم و مدارج ثواب آن آورده شده است. سرانجام نام تفسیر را «لطائف التفسیر» و نام مؤلف آن را حسن بن احمد درزنی ضبط کرده است که به گفتهٔ دکتر ماهیار نسیتی ناروشن است و در صحت آن تردید!

#### نام و لقب مفسر

نام و کنیه مصنف در همهٔ نسخه‌ها «ابو سرحمد بن الحسن بن احمد ذکر شده است. تنها در نسخهٔ محفوظ در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی نام او «ابونصر احمد بن الحسن بن احمد بن سلیمان» ضبط شده است.

لقبهای مصنف که در مقدمهٔ نسخه‌ها و کتابهای او آمده و همگی بیانگر اعتبار والای مؤلف در علوم دین بوده است، عبارتند از: شیخ الامام الاجل، سیف الملة والدين، الاستاذ، فخر الملة، تاج المفسرين، الشيخ الامام الاجل، فخر الائمة والدين، جمال الاسلام و المسلمین، سیف السنة، قانع الملحدين.

#### زندگی مفسر

از میان نسخه‌ها تنها نسخهٔ محفوظ در کتابخانهٔ فاتیح ترکیه به درگذشت مصنف اشاره کرده و سال وفات وی را بعد از یک بار املاء کردن تفسیر، محرم سال ۵۴۹ ذکر کرده است. در صفحهٔ نخست از نسخهٔ خطی محفوظ در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی هم زمان تألیف این اثر، شوال سال ۵۱۹ هجری قمری ضبط شده و اغلب

در ضبط تاریخ وفات و تألیف، از این دو پیروی کرده‌اند. در کتب تراجم هم درباره زندگی مؤلف چندان بحثی نشده که بتوان از آن میان به زمان زندگانی وی پی برد. به هر حال علاوه بر دو مورد یاد شده، صاحب مزارات بخارا درباره مصنف ضمن شرح حال شرف‌الدین ابو حفص عمر بن محمد بن عمر عقیلی (م. ۵۷۶ هـ ق) می‌گوید که: وی محضر تنی چند از بزرگان از جمله امام زاهد درواجکی را دریافته است. پس می‌توان سال ۵۴۹ را که کاتب نسخه محفوظ در کتابخانه ترکیه اعلام کرده است به احتمال قریب به یقین سال درگذشت مفسر و سال ۵۱۹ را نیز سال تصنیف تفسیر دانست. بنابراین این تفسیر جزء آثار منثور دینی فارسی اوایل قرن ششم مصادف می‌شود.

#### زادگاه مصنف

در مقدمه اغلب نسخه‌های خطی این تفسیر و فهرست نسخ و سه کتاب تاریخ بخارا و جواهر المصیئنه و طبقات اسنن از مصنف با نسبت درواجکی یاد شده تنها در نسخه خطی مربوط به کتابخانه ساجد ترکیه به نام، ابونصر احمد بن الحسن احمد الدرنی معرفی شده است. با تأمل بیشتر با ترجمه به فهرست استواری می‌توان این فرض را پذیرفت که ظاهراً «Da» و «Ra» این در این فهرست به صورت مصوت بلند خوانده شده باشد و فارسی آن دارانی ضمه شده است. با استقراء در معاجم بلدان و مسالک و ممالک در منطقه‌های خراسان قدیم و ماوراءالنهر نامی پیدا نشد که بتوان با معیارهای صرفی، «درنی یا دارانی» را بدان منسوب کرد. بدین ترتیب می‌توان نسبت درواجکی را که در مقدمه نسخه مربوط به آستان قدس و طبقات و تراجم بدان تصریح شده است پذیرفت. یعنی مصنف یا از مردم قریه «دروازه» در یک فرسنگی مرو بوده است<sup>۱</sup>، و یا از مردم محله، «درواجه» از محلات بخارا<sup>۲</sup>. با

۱. رک. شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی. معجم البلدان، ج ۲، بیروت، دار صادر، دار

توجه به اینکه مصنف در یکی از فهرست نسخ ابونضر احمد بن حسن بن احمد درواجکی بخاری معرفی شده است و خود نیز در ابتدای تفسیر سوره حمد استناد به گفته ائمه بخارا کرده است.<sup>۳</sup> به احتمال زیاد وی مدت نسبتاً درازی از دوران تحصیل و شهرت علمی خود را در بخارا سپری کرده و با دانشمندان بخارا مراودات علمی داشته است. اگر چه در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که باید زادگاه وی محلّه درواجه بخارا بوده باشد، اما قرائن قطعی برای صحت این نظر وجود ندارد، چون در دو سال گذشته مراکز علمی محدود به شهرهای بزرگ بوده است و علما و دانشمندان ناچار وطن علمی خود را این شهرها انتخاب می‌کرده‌اند و چون بیشتر دوران زندگانی علمی آنان در این نقاط سپری می‌شده، به همین مناطق منسوب می‌شدند. بعلاوه در گفتاری حسی که با تنی چند از عالمان و دانشمندان نسخه‌شناس تاجیک - که یکی از آنها در اهل دروازه مرو بود - معلوم شد که قریه دروازه از نواحی عالم خیز و دانشمند پرور مرو بوده و بزرگان و دانشمندان زیادی از آنجا برخاسته‌اند، با این بیان احتمال اینکه مصنف اهل دروازه مرو باشد هم هست بخصوص که تبدیل حروف قریب المخرج کلمات به یکدیگر در طول زمان مسأله بعیدی نیست. در هر حال مصنف خواه از قریه دروازه مرو باشد و خواه از محلّه درواجه بخارا، از مردم ماوراء النهر بوده و زبان او نیز و شیوه مردم آن ناحیه را داراست.

### مذهب مفسر

امام زاهد پیرو مذهب ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی از فرقه‌های چهارگانه مشهور اهل سنت و جماعت بوده است. این امر علاوه بر آنکه در کتب مربوط به

⇒ بیروت، ۱۳۷۶، ص ۵۲۴ و مراد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، [تلخیص معجم البلدان] لصفی الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق البغدادی، تحقیق و تعلیق علی محمد البجاوی، ج ۲، القا، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۳، ص ۵۱۴. ۲. ابو جعفر نرشخی، پیشین، صص ۴۱ و ۷۵.



شرح احوال دانشمندان حنفی، مانند جواهر المصنئین و طبقات السنیه به صراحت یاد شده است، از متن تفسیر نیز به سادگی استنباط می شود. احترامی هم که مصنف در تفسیر خود برای خواجه ابومنصور ماتریدی از فقیهان حنفی مذهب و از متکلمان مشهور قرن چهارم قائل است - به طوری که همواره به گفته های او استناد کرده و بارها در بحثهای مختلف، کلام را با باورهای اعتقادی او تمام می کند - این ظن را قوت می بخشد که خود هم پیرو مذهب کلامی ماتریدی باید باشد. از اینها که بگذریم وی بارها به صراحت از پیشوای حنفیان نام برده، عقیده او را در بیان مسأله مختلف فقهی بر دیگران ترجیح داده او را امام خویش خوانده است. مثلاً در بحث از آیه بود یا نبودن «بسم الله الرحمن الرحیم» می گوید: لکن به مذهب امام ما ابوحنیفه کوفی - رحمه الله - آیتی نیست از فاتحه و نی از هر سورتی<sup>۱</sup>.

مشرک کلامی مصنف هم امام گرفته از مکتب ماتریدی است. تبیین و پذیرفتن اعتقادات کلامی ماتریدی از سری مصنف در اغلب موارد همواره با انتقادات و اعتراضهای شدید اللحن وی به فرقه معتزله و طعنه هایی بر دیگر فرقه ها مثل کزّامیان و بعضاً شیعیان همراه است. از جمله مصنف در توضیح کلمه «آل» گوید: «آل» در قرآن بر سه وجه است: ۱- به معنی خاندان و شخص که نمونه این معنی آیه ۲۴۸ سوره بقره می باشد. ۲- خویشاوندان و نزدیکان فرد... ۳- پیروان و شیعیان یک فرد. پس وی به استناد پرسشی که از پیامبر در باب کلمه «آل» شده وجه سوم را پذیرفته آن را حجت علیه رافضیان ساخته است، زیرا به اعتقاد آنها «آل» یعنی علی و اولادش<sup>۲</sup>.

### مطالب ارزشی تفسیر

الف) قدمت تاریخی: از بزرگترین مزیت های این تفسیر عمر دراز آن است که به نهصد سال می رسد، چنانکه دکتر یحیی مهدوی آن را چهارمین تفسیر کامل فارسی

دانسته است<sup>۱</sup> و این زمان (۵۱۹) حتی یک سال پیش از آغاز تحریر «کشف الاسرار میبدی» بوده است. یکی دیگر از محققان گفته است که: «درباره تفاسیر فارسی باید دانست که قبل از تفسیر شیخ (ابوالفتح رازی) چند تفسیر دیگر به زبان فارسی نوشته شد، پس از ترجمه تفسیر کبیر طبری تفسیرهایی که به فارسی نوشته شد، یکی تفسیر شاهپور و پس از آن تفسیر زاهدی و دیگر تفسیر سورآبادی است.<sup>۲</sup>

ب) جامع کامل بودن: از دیگر مزایای این تفسیر است زیرا که ترجمه و تفسیر تمام قرآن است، اینک همانند برخی دیگر از تفاسیر پیشتر یا معاصر خود، تنها بخشی از قرآن را شامل شود؛ بلکه از ابتدا تا انتهای کلام الله مجید را در برمی گیرد. ج) کهنگی نثر: اثر چنانچه بآلف این تفسیر به اوایل قرن ششم برمی گردد، اما با نثر شیوا و ساده و بی پیرایه. این بنجم و با نیمه دوم قرن چهارم هجری نگارش یافته است و بیشتر ویژگیهای سبکی دیره آید (نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول پنجم) نثر فارسی را دارا است. یادآوری می شود که چون این تفسیر نهصد سال پیش در خاستگاه زبان فارسی نوشته شده است برای دانشناسان زبان فارسی منبعی مفید و شامل واژگان و نکات دستوری و لهجه ای زبان فارسی است که گردآوری این نکته ها و ویژگیها خود نیاز به تألیفی جداگانه بعد از تصحیح کامل کتاب دارد. جملات کوتاه یا فصلهای مکرر و گاه لطیف همراه با بیتی عارفانه به فارسی و عربی که گاهی در آخر سوره ها (آل عمران) دیده می شود. ممکن است این تصور را در خواننده برانگیزد که چون نثر کتاب در مواردی با پیراهه های سجع و جناس هم آمیخته است باید آن را در شمار متون نثر قرن ششم و جزء طلیعه های نثر فنی به حساب آوریم، در صورتی که موضوع کتاب ایجاب کرده است که لغات و عبارات عربی به کار رفته در

۱. ابوبکر عتیق نیشابوری (سورآبادی) پیشین، مقدمه مصحح، ص ۱۷ (ص).

۲. عسکر حقوقی، تحقیق در تفسیر ابوالفتح رازی، ج اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ص

آن، بیش از نثرهای معمولی باشد.

درباره شیوه نثر این کتاب با مطالعه متن قصه‌ها و شرح احوال امتها و پیامبران گذشته به دست می‌آید که این تفسیر در سبک به شیوه متون دینی قرن پنجم هجری است و ویژگیهای صرفی - نحوی و لهجی و لغوی و ترکیبی آن روزگار را دارد.

۵) از دیگر مزایای این تفسیر آمدن پاره‌ای واژه‌های زیبای فارسی در برگردان کلمات قرآنی و نقل قصص و بیان اشتقاق و انواع وجوه استعمال لغات قرآنی و دیگر مسائل کلامی، فقهی و روایی است که از هر کدام از این بحثها به میزان اهمیّت آنها جداگانه سخن رفته است.

### نسخه‌های خطی تفسیر

به اعتقاد برخی از محققان این تفسیر املائی امام زاهد بوده است؛ یعنی شنوندگان سخن استاد به واسطه فهم و آگاهی و دریافت خود از سخنان شفاهی او به تدوین و تألیف آن مبادرت کرده‌اند. بنابر این مصحح نمی‌تواند در کار تصحیح و مقابله نسخه‌ها بر هیچیک از آنها اصرار کامل داشته باشد یعنی باید روش التقاطی را برگزیند. در این شیوه مصحح باید با تکیه بر قواعد زبانشناسی و دستور و تاریخ زبان و اطلاعاتی کافی از دانشهای مرتبط با نسخه‌ها از روی نسخه‌های مختلف متنی را فراهم کند که بر هیچیک از نسخه‌ها تأکید ندارد، اما در مجموع با ظنّ قریب به یقین گفته‌های مصنف را شامل می‌شود.

این تفسیر چنانکه گفتیم به زعم برخی از محققان نوشته خودنویس نبوده و چنین گمانی از آن رو پیدا شده است که در متن، عبارت «قال الشیخ الامام الزاهد» در چند موضع تکرار شده است. البته چنین کاربردهایی از سوی خود نویسندگان هم رواج داشته، چنانکه مفسران و مؤلفان از خود با ضمیر غایب یاد می‌کردند؛ یعنی به جای اینکه بگویند: «من معتقدم یا می‌گویم: می‌گفتند: «فلانی یا او گوید یا معتقد است». اما چنانکه پس از این خواهیم گفت صاحب تفسیر مورد نظر اغلب از همان ابتدا

نکته نظرهای خود را با ضمیر متکلم (ما) بیان کرده است؛ مثلاً: «ابتدا کردیم به تفسیر قرآن و ابتدا کردیم از تفسیر آعوذ» یا کلماتی چون: «قلنا» به دفعات تکرار شده است. با این شواهد احتمال اینکه «شیخ الامام الزاهد» خود مصنف بوده باشد. ضعیف به نظر رسید و نگارنده برای رفع تردید به مطالعه و شناسایی اشخاصی که در این کتاب از آنها یاد شده و القابی که برای آنها به کار رفته، پرداخت. به تدریج آشکار شد که چند تن از جمله: ابوحنیفه و شیخ ابومنصور ماتریدی بیشتر مورد توجه مصنف بودند و اقوال آنان بیشتر نقل شده است و در نهایت با یافتن عباراتی که القاب این بزرگان در آنها ذکر شده، این گمان که شیخ الامام الزاهد خود مصنف باشد مرتفع گردید. روشن شد که منظور مصنف از آن القاب فقیه و متکلم معروف ابومنصور ماتریدی بوده است.

استاد محمد تقی دانش پژوه، در مقاله خود با عنوان تفسیر دروازجکی بر روی هم بیست و هفت نسخه مختلف از این تفسیر را معرفی کرده‌اند. که بنا بر تحقیق ما تنها پنج نسخه کامل از این تفسیر وجود دارد. در اینجا تنها به معرفی نسخه‌هایی می‌پردازیم که به آنها دسترسی داشته‌ایم و در تصحیح از آنها استفاده کرده‌ایم.<sup>۱</sup>

۱. نسخه محفوظ در کتابخانه ملک وابسته به استاذتعالی رضوی به شماره ۲۱۸ که در دی ماه ۱۳۳۰ به مالکیت این کتابخانه درآمد. این نسخه به دو بخش تقسیم می‌شود که بخش نخست آن تا پایان سوره کهف است و ۳۰۱ برگ دارد و بخش دوم آن تا پایان قرآن کریم و مشتمل بر ۳۲۹ برگ. خط این نسخه نسخ است و در میان آن برگهایی ناخوانا و افتاده است اما مجموع آنها از ۲۰ برگ تجاوز نمی‌کند. هر چند این نسخه ترقیمه مشخصی ندارد و نام کاتب آن مشخص نیست اما براساس کهنگی کاغذ و نوع خط تاریخ تحریر آن را کارشناسان نسخه نیمه دوم قرن هشتم تخمین زده‌اند و براین اساس این نسخه اقدم نسخ موجود از این تفسیر

۱. دانش پژوه، تفسیر دروازجکی، نشر دانش، سال دوم، شماره پنجم، ۱۳۶۱، صص ۴۶.

است. روشن بودن خط و تفکیک آیات قرآن که با شنگرف و خطی درشت تر از متن نوشته شده‌اند از دیگر مشخصات ظاهری این نسخه است. استاد دانش پژوه درباره این نسخه می‌نویسد: «نسخه بسیار خوبی است و نباید از آن گذشت» (دانش پژوه، ۱۳۶۱: ۴۳).

چنان که اشاره شده این نسخه به طور کامل از افتادگی مصون نیست اما با توجه به قدمت آن و صحت جمله‌بندی و عبارات و همچنین عدم دخالت کاتب در متن کاتب که از سالم بودن عبارتهای متن تفسیر مشخص است می‌توان آن را اصح نسخ نیز دانست. نظر ما در تصحیح لطائف التفسیر مناسب‌ترین نسخه‌ایست برای اینکه اساس قرار بگیرد.

۲. نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۶ به نام تفسیر سیف‌الدین که نسخه است کامل به خط نستعلیق مشتمل بر ۵۰۷ برگ که در تاریخ ۸۲۹ هجری قمری کتابت شده است. از مزیت‌های این نسخه می‌توان به قدمت تاریخی و نثری و کامل بودن رکمی افتادگی‌ها و سهوها اشاره کرد. البته در مقابله دقیق این نسخ با دیگر نسخه‌ها در این نسخه که کاتب این نسخه کم و بیش اهل دخالت در متن بوده و سواد زیادی هم نداشته است برخی اغلاط آشکار املائی و نامفهوم بودن جملات از ویژگی‌های این نسخه است. خط این نسخه نستعلیق است اما نه پخته و حرفه‌ای به گونه‌ای که شاید بهتر باشد خط آن را نستعلیق بدانیم. به هر حال با در نظر گرفتن همه ویژگی‌ها این نسخه ارزشمندترین نسخه پس از نسخه ملک است؛ زیرا به نسبت آن نسخه غلط‌ها و ناخوانی‌های بیشتری داشته، به تنهایی نمی‌تواند نسخه اساس باشد. مشخص بودن تاریخ کتابت این نسخه بزرگترین مزیت آن به شمار می‌رود.

۳. نسخه متعلق به دانشگاه علوم اسلامی رضوی که اکنون در کتابخانه مرکزی آستان قدس نگهداری می‌شود و شماره آن ۱۷۵۵۹ است. این نسخه ۵۱۹ ورق

دارد و کامل بوده و تفسیر تمام قرآن را دربردارد. تاریخ تحریر نیز ۹۸۳ هجری قمری ثبت شده است. نسخه دانشگاه علوم اسلامی رضوی نیز نسخه خوبی است اما یک ویژگی دارد که آن را از دیگر نسخه‌ها متمایز می‌کند و آن نحو در هم ریخته جمله‌ها نسبت به دیگر نسخه‌ها است. جمله‌های بی فعل و حذف‌های بی قرینه و سر درگم کننده در این نسخه به نسبت فراوان است اما در مواردی نیز بسیار راه گشاست مثلاً ضبط کلمات غریب و دشوار را درست آورده است.

۴. نسخه متعلق به کتابخانه فاتح ترکیه به شماره ۳۰۳ کتابت این نسخه به دست محمد فرزند قتلغ شاه ترکستانی روز جمعه بیست و دوم ربیع الاول ۸۷۷ قمری پایان یافته و وی نام این نسخه را در آغاز آن لطائف التفسیر یاد کرده است. این نسخه شامل نیمه اول قرآن یعنی با پایان سوره کهف است و اگر نیم دیگری داشته از آن اطلاعی در دست نیست.

فیلم این نسخه را مرحوم مجتبی سنجی برای دانشگاه تهران تهیه کرده و اکنون به شماره ۴۶۷۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است. این نسخه به خط نسخ خوانایی نگارش یافته و مشتمل بر ۴۴۳ برگ است. ویژگی اصلی این نسخه تازگی ساخت جمله‌بندی و وجود اشتباه‌های چشمگیر در ضبط کلمات عربی و فارسی است. هر چند دکتر ماهیار درباره این نسخه می‌نویسد: «مهمتر از همه نسخه‌ای است که در کتابخانه فاتح ترکیه نگهداری می‌شود و ظاهر آن کتاب نسخه خود آدمی فاضل و دانشمند بوده است»<sup>۱</sup>. اما در مقایسه با دیگر نسخه‌ها بر ما آشکار شد که این نسخه چندان قابل اعتماد نیست و تنها به عنوان یک نسخه بدل می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. همچنان‌که اشاره رفت این نسخه جمله‌بندی امروزی‌تری دارد و غالب عبارات عربی دیگر نسخه‌ها در آن به فارسی برگردانده شده است.

۱. عباس ماهیار، لطائف التفسیر، نشر دانش، سال دوم، شماره سوم، ص ۶۷.